

مدیریت زمان از نگاه قرآن

زهرا رضائیان*

اشاره

عمر، فرصتی است که خداوند به انسان‌ها ارزانی داشته است تا در این فاصله زمانی بتوانند قابلیت‌ها و استعداد‌های ذاتی خود را شکوفا سازند و با قرار گرفتن در برابر امتحان‌های الهی، گوهر انسانی خویش را محک بزنند. سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام، بهترین الگوی مدیریت زمان بر اساس آیات قرآن است. در این مجال ارزش وقت و زمان، راهکارهای مدیریت آن و نیز موانعی که در مسیر این مدیریت وجود دارد، از دیدگاه قرآن بررسی می‌شود تا بتوانیم با برنامه‌ریزی صحیح، برنامه‌ای مدون برای لحظه‌های زندگی داشته باشیم.

ارزش وقت از دیدگاه قرآن

ارزش وقت و زمان در اسلام تا آنجاست که خداوند به آن سوگند یاد نموده^۱ و نیز در آیه دیگری فرموده است:

* دانش‌آموخته جامعه الزهراء علیها‌السلام و کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

أَنْ تَقُولَ نَفْسُ يَا حَسْرَتًا عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ^۱ [باید ترسید از آن روزی که انسان بیهوده‌گرا] بگویند افسوس بر من از افراط‌کاری و کوتاهی‌هایی که در راه اطاعت خدا نمودم.

وقتی انسان در عرصه محشر نتیجه تفریط‌ها، مسامحه‌کاری‌ها، خلاف‌کاری‌ها و حتی شوخی گرفتن مسائل جدی را در برابر چشم خود می‌بیند، فریاد و احسرتا سر می‌دهد؛ اما دیگر زمان جبران را از دست داده و هرگز به دنیا باز نمی‌گردد تا بتواند از عمری که در اختیارش قرار داده بودند، برای قرب به خدا بهره ببرد.^۲

خداوند در سوره «عصر» پس از سوگند بر وقت و زمان، از زیانکار بودن انسان که در طبیعت زندگی تدریجی نهفته است، سخن به میان آورده؛ زیرا با مدیریت نکردن بزرگ‌ترین سرمایه خود، یعنی عمر و زندگی در دنیا، آن را به بیهودگی هدر داده است.^۳ تنها یک گروه از این اصل کلی استثنا می‌شوند: کسانی که چهار برنامه ایمان، عمل صالح، سفارش یکدیگر به حق و سفارش یکدیگر به صبر را در زندگی خود اجرایی می‌کنند. این چهار ضابطه، برنامه چهار ماده‌ای خوشبختی انسان است که اگر آن را در زندگی فردی و اجتماعی خود اجرا کند، در حقیقت با مدیریت کردن لحظات زندگی و برنامه‌ریزی برای آن، عقب‌ماندگی‌هایش جبران شده، مشکلات و نابسامانی‌هایش حل شده و ضعف‌ها و شکست‌هایش به پیروزی بدل می‌شود.^۴

۱. زمر: ۵۶.

۲. ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۹، ص ۵۱۳.

۳. سید محمد حسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲۰، ص ۳۵۷.

۴. ر.ک: محمد صادقی تهرانی؛ الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة؛ ج ۳۰، ص ۴۴۰ و

۴۴۱؛ حسین خنیفر؛ مهارت‌های مدیریت زمان از دانش تا روش؛ ص ۶۴ - ۶۰.

مدیریت زمان و چگونگی انجام آن

زمان را می‌توان کنترل کرد؛ زیرا هر ساعت، یک ظرف زمانی است که باید بر حسب اولویت آن را پر نمود. مدیریت زمان، یعنی استفاده بهینه و مفید از زمان، طبق برنامه درست عمل کردن و پرهیز نمودن از کارها و رفتارهای واکنشی، پراکنده و ناسنجیده.

هر فرد باید با برنامه‌ریزی صحیح، کارهای مثبت خود را با تنظیم خاصی بین ساعات شبانه‌روز تقسیم کند و هر ساعت یا هر چند ساعت را برای انجام کاری قرار داده و به این برنامه و نظم ادامه دهد؛ چنانکه خداوند ساعات نماز و روزه را برای مسلمانان تعیین کرده و وجوب رفتار عبادی را مستلزم انجام در یک بستر زمانی خاص و مشخص دانسته است که هر فرد مسلمان باید آن را از نظر زمانی و وقتی محاسبه نموده و سر وقت آن را به انجام برساند.^۱ بنابراین آدمی نیز باید فعالیت‌ها، خواسته‌ها و نیازهای شخصی و خانوادگی خود را برنامه‌ریزی کند تا بتواند با رعایت تعادل میان فعالیت‌های شخصی، اجتماعی و نیازهای خود، زمان خود را مدیریت کند. هم‌چنانکه امام کاظم علیه السلام فرموده است:

اجْتَهِدُوا فِي أَنْ يَكُونَ زَمَانُكُمْ أَرْبَعَ سَاعَاتٍ سَاعَةً لِمُنَاجَاةِ اللَّهِ وَ سَاعَةً لِأَمْرِ
الْمَعَايِشِ وَ سَاعَةً لِمُعَاشَرَةِ الْإِخْوَانِ وَ الثَّقَاتِ الَّذِينَ يَعْرِفُونَكُمْ غُيُوبَكُمْ وَ
يُخْلِصُونَ لَكُمْ فِي الْبَاطِنِ وَ سَاعَةً تَخْلُونَ فِيهَا لِلذَّاتِكُمْ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ.^۲

سعی کنید اوقات خود را به چهار قسمت تقسیم نمایید: زمانی

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۷۵، ص ۳۲۱.

۲. ابن‌شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۴۰۹.

برای مناجات با خدا و زمانی برای کسب و کار و زمانی برای معاشرت با برادران و افراد مورد اعتمادی که عیب‌هایشان را به شما گوشزد می‌کنند و در باطن خیرخواه شما هستند و زمانی برای بهره‌مندی از لذت‌های غیر حرام.

راهکارهای مدیریت زمان

الف) برنامه‌ریزی

قرآن برای استفاده بهینه از زمان می‌فرماید: «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ». ^۱ بنا بر این آیه شریفه آدمی باید برای تمامی مراحل زندگی خود برنامه مشخص و مدونی داشته باشد تا از بیکاری که مایه خستگی، کم شدن نشاط، تنبلی و فرسودگی و نیز حتی مایه فساد و تباهی و ابتلای به انواع گناهان است، نجات یابد. ^۲ برنامه‌ریزی در قیام امام حسین علیه السلام بسیار مشهود است. همراه کردن خانواده و اهل‌بیت علیهم السلام با خود و سپردن بخشی از مأموریت قیام به حضرت زینب علیها السلام و امام سجاد علیه السلام برای رساندن پیام خود به گوش جهانیان و نیز دوران‌دیشی در شیوه‌های نظامی و آرایش جنگی، نمونه‌های بارز برنامه‌ریزی امام حسین علیه السلام در این قیام بزرگ است. ^۳

۱. انشراح: ۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۲۷، ص ۱۳۰؛ وهبه زحیلی؛ التفسیر المنیر فی العقیلة و الشریعة و المنهج؛ ج ۳۰، ص ۲۹۸.

۳. ر.ک: نظرعلی کوشکی، «درآمدی بر الگوهای مدیریتی امام حسین علیه السلام»، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، سال ششم، زمستان ۱۳۸۱، ص ۸۱ - ۹۸.

یکی از کسانی که برای تمامی ساعات زندگی خود برنامه داشته است، شهید ثانی است. این عالم وارسته برنامه منظمی برای مطالعه و تحقیق، عبادت و راز و نیاز با خدا، تدریس، رسیدگی به کارهای شخصی و تأمین نیازمندی‌های خانه و پاسخ‌گویی سؤالات مذهبی و شرعی مراجعه‌کنندگان داشته و اوقات شبانه روز خود را به گونه‌ای تنظیم می‌کرده و از آن استفاده می‌برده که حتی یک لحظه از آن، بیهوده تباه نمی‌شده و به هدر نمی‌رفته است.^۱

ب) تبعیت از برنامه

هر فردی که خواهان موفقیت است، باید برای تسلط بر لحظات خویش، ضمن داشتن برنامه برای کوچک‌ترین واحد زمان، راهکارهای ارائه شده در برنامه را نیز به دقت اجرا کند. خداوند برای پیشرفت قوم بنی اسرائیل، ابتدا از آنها پیمان گرفت و سپس راهکار رسیدن به آن را برنامه‌ریزی نمود و به آنان فرمود من با شما خواهم بود و شما را حمایت می‌کنم تا به سعادت حقیقی برسید، اما به شرط آنکه از این امور برنامه‌ریزی شده، تبعیت کنید.^۲

تبعیت امام خمینی علیه السلام از برنامه‌های مشخص خود، شهره عام و خاص است. قدم زدن ایشان در ایام جوانی همراه دوستانشان در باغ‌های اطراف قم و مباحثه با یکدیگر، برنامه همیشگی امام علیه السلام بود.

۱. ر.ک: جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم؛ گلشن ابرار؛ ج ۱، ص ۱۴۶.

۲. مائده: ۱۲: «وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ».

نیز ر.ک: ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۴، ص ۳۰۹ و ۳۱۰.

ایشان پس از کسب اجازه از صاحب باغ نزدیک منزل خود، تابستان و زمستان، صبح‌ها در این باغ تا طلوع خورشید قدم می‌زد و تا زمانی که در قم بودند، هیچ‌گاه ترک نشد.^۱

ج) اولویت‌بندی کارها

یکی از مهم‌ترین راهکارهای مدیریت زمان، تعیین اولویت‌ها و پرداختن به مهم‌ترین کاری است که از اهمیت، کیفیت و کمیت بیشتری برخوردار است. اهمیت این مسئله تا آنجاست که قرآن می‌فرماید: «أَجْعَلْنٰمْ سِقَايَةَ الْحَآجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللّٰهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللّٰهِ». ^۲ قرآن ایمان به خدا و آخرت و جهاد در راه خدا را مهم‌تر از آب رساندن به حجاج دانسته است؛ یعنی با اولویت‌بندی کارها، زمان را به درستی مدیریت نمود و ابتدا کارهایی را انجام داد که اهمیت بیشتری دارند. اگر انسان به کاری پردازد که در اولویت نیست، در حقیقت زمان در اختیارش را ضایع کرده است.^۳

برای بهره‌وری بیشتر از زمان، باید کارهای مهم را از کارهای غیر مهم جدا کرد و انجام کارهای مهم را در اولویت قرار داد؛ زیرا موجب بالا رفتن کارایی برنامه روزانه و به تبع آن فعالیت‌های سالانه و جلوگیری از هدر رفتن زمان می‌شود.

بار بازرگان چو در آب اوفتد دست اندر کاله بهتر زند

۱. علی دوانی؛ امام خمینی علیه السلام در آینه خاطره‌ها؛ ص ۵۶.

۲. توبه: ۱۹.

۳. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۷، ص ۳۲۲ و ۳۲۳.

چون که چیزی فوت خواهد شد در آب ترک کمتر گوی و بهتر را بیاب^۱

د) انجام به موقع کارها

یکی دیگر از راهکارهای مؤثر در مدیریت زمان، به موقع انجام دادن کارها و پرهیز از شتاب‌زدگی و نیز سستی در انجام آن‌هاست. آیاتی که درباره قوانین الهی نازل شده، برای هر یک از اعمال عبادی زمان خاصی را مشخص کرده است، مانند زمان مشخص روزه گرفتن و زمان دقیق افطار و سحر، زمان دقیق ادای نمازهای واجب و ...، تا آن عمل در همان زمان انجام شود و بدین وسیله به پیروان خود دستور داده است که از زمان خود به صورت بهینه استفاده کرده و برنامه مدون و مشخصی را برای زندگی خود داشته باشند. انجام دادن کار پیش از زمان مناسب برای انجام آن و نیز سستی و کوتاهی در انجام کار در زمان مشخص شده، سبب به وجود آمدن مشکلات و خسارات بسیاری می‌شود. امام علی علیه السلام نیز به مالک اشتر دستور می‌دهد برای رسیدن به نتیجه مطلوب، هر کاری را در زمان خودش انجام دهد و در انجام کارها، سستی نکند.^۲

زمان‌شناسی و انجام دادن کار در زمان مناسب، انسان را زودتر به سرمنزل مقصود می‌رساند؛ زیرا فرصت‌ها به سرعت از دست می‌روند و بازگشت به فرصت‌ها و امکان عمل مجدد، تقریباً غیرممکن است. از همین روست که امام حسین علیه السلام فرموده است: «نَافِسُوا فِي الْمَكَارِمِ وَ سَارِعُوا فِي الْمَعَانِمِ».^۳ از این سخن امام علیه السلام به دست می‌آید که در

۱. جلال‌الدین محمد مولوی؛ مثنوی معنوی، دفتر ۲، بیت ۱۵۰۸.

۲. محمد بن حسین الشریف الرضی؛ نهج‌البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ نامه ۵۳.

۳. علی بن عیسی اربلی؛ کشف الغمه؛ ج ۲، ص ۲۹.

بهره‌برداری از فرصت‌های خوب باید شتاب کرد و برای رسیدن به اهداف عالیه بر یکدیگر سبقت گرفت».

هـ) تداوم کار

یکی از ویژگی‌های فاخر کارآفرینان، استواری، استحکام، تداوم و شکست‌ناپذیری است. اهمیت این مسئله تا آنجاست که خداوند درباره استواری و استقامت در انجام کار خطاب به پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «فَادِعْ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ»^۱. مهم‌تر از خود عمل، تداوم بخشیدن به آن است؛ زیرا ادامه و استمرار آن از آنجا که با موانع، سختی‌ها، کارشکنی‌ها، یأس‌آفرینی‌ها و وسوسه‌های شیطانی همراه است، اهمیت بیشتری دارد. خداوند نیز فرموده است: «قُرَّةَ أَعْيُنٍ جَزَاءَ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۲. مداومت بر اعمال شایسته در دنیا، دارای ارج و پاداشی چشمگیر در پیشگاه الهی است.^۳ نماز اول وقت ظهر عاشورای امام حسین علیه السلام در آن شرایط سخت و نفس‌گیر، ضمن بیان اهمیت اقامه نماز اول وقت حتی در شرایط سخت میدان‌کارزار، بیانگر اهمیت و ارزش تداوم عمل صالح در نگاه آن امام همام می‌باشد.

پشتکار مثال‌زدنی علامه طباطبایی رحمته الله علیه در انجام برنامه مشخص شده‌ای که برای خود چیده بودند، سبب تألیف یکی از بزرگ‌ترین تفاسیر قرآن با نام «المیزان فی تفسیر القرآن» شد. شکیبایی، تداوم در

۱. شوری: ۱۵.

۲. سجده: ۱۷.

۳. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۷، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.

انجام کار و نظم علامه تا آنجا بود که میز کارش تا زمان رحلت برپا و همه چیز آماده ادامه مطالعه و بحث و نگارش بود.^۱

موانع مدیریت زمان

الف) استفاده نامناسب از فضای مجازی و رسانه‌ها

امروزه با پیشرفت تکنولوژی، لوازمی به زندگی انسان‌ها اضافه شده است که زمان بسیاری از عمر آدمی را به خود مشغول می‌کند. بی‌هدفی در استفاده از رسانه‌های اینترنتی، قاتل مهم فرصت‌هاست. حضور بیش از ۲۰ میلیون نفر ایرانی در شبکه اجتماعی تلگرام و استفاده بیش از ۹ ساعت از این شبکه‌ها، تماشای بیش از ۶۶/۵ درصد تلویزیون در روز، تماشای بیش از ۳۱/۴ درصد ماهواره در روز و متأسفانه اختصاص تنها ۱۲/۵ دقیقه در روز به مطالعه و عدم مطالعه کتب غیردرسی توسط ۵۹ درصد از مردم کشور، بیانگر آسیب جدی‌ای است که توسط این فضا و عدم مدیریت استفاده از آن در جامعه امروز ایرانی به وجود آمده است.^۲ امروزه سهم گفتگوی همسران با یکدیگر و با فرزندان بسیار کم شده است. زن و شوهر احتیاج دارند با یکدیگر و با فرزندان‌شان در مورد مسایل روزمره گفتگو داشته باشند، ولی استفاده از شبکه‌های مجازی سبب دوری اعضای خانواده از یکدیگر و رها شدن فرزندان در عالمی دیگر شده

۱. حسین خنیفر؛ مهارت‌های مدیریت زمان از دانش تا روش، ص ۲۰۷.

۲. ر.ک: مشرق‌نیوز؛ «آمار وضعیت کتابخوانی از زبان آقای وزیر»؛ ۱۳۹۷/۰۹/۰۳.

<https://www.mashreghnews.ir/news/۹۱۳۶۵۲>

مجله اینترنتی مددکاری اجتماعی ایران؛ «نگاهی کوتاه به آمار و ارقام آسیب‌های فضای

مجازی»؛ ۱۳۹۵/۰۴/۲۹. <http://www.socialwork2۰۱۵.ir>

است. کاربری کنترل نشده فضای مجازی موجب شده نوجوانان، منزوی و دچار افت اخلاقی و پرخاشگری شوند و دیگر پدر و مادر را به عنوان دوست و رفیق خود ندانند و نیز تمایل به جنس مخالف داشته باشند.

ب) غفلت

یکی از عواملی که سبب درک نکردن ارزش عمر گرانبهاست، غفلت است که موجب خسران دنیا و آخرت می‌شود؛ زیرا غفلت ابتدا آدمی را به سوی هواپرستی و سپس مسیر انحراف از حق می‌کشاند و بدین سان سبب سقوط انسان می‌شود.^۱ هیچ انسانی دو نوبت به دنیا نمی‌آید تا یک بار امور جهان را آزمایش کند و دیگر بار تجربیات خود را به کار بندد. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «الْعُمْرُ أَنْفَاسٌ مُّعَدَّةٌ: ۲ عمر، بازدم‌های شمرده شده و محدود است». هر نفسی که آدمی می‌کشد، در حقیقت پاره‌ای از عمر خود را سپری کرده است. مکن عمر ضایع به افسوس و حیف

که فرصت عزیز است و الوقت، سیف^۳

امام حسین علیه السلام در خطبه‌ای که صبح عاشورا خواند، فرمود: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ: ۴ [ای جمعیتی که در مقابل من جمع شده‌اید] شیطان قلب‌هایتان را تسخیر کرده که خدا را فراموش

۱. ر.ک: کهف: ۲۸؛ محسن قرائتی؛ تفسیر نور؛ ج ۵، ص ۱۶۴.

۲. علی بن محمد لیثی واسطی؛ عیون الحکم و المواعظ؛ ص ۴۰.

۳. مصلح بن عبدالله؛ سعدی شیرازی؛ بوستان؛ باب نهم.

۴. محمد بن محمد مفید؛ مناسک المزار؛ ص ۹۳.

کرده‌اید». علت رویارویی سی هزار نفر با امام حسین علیه السلام، اعراض از یاد خدا بود. کسی که از یاد خدا غافل شده باشد، حق‌پذیر نیست و نمی‌تواند حق و باطل را از یکدیگر تشخیص دهد. عمر سعد و تمام کسانی که در لشکر وی مقابل امام علیه السلام ایستادند، بنا بر آیه شریفه قرآن خدا را فراموش کرده^۱ و اسیر هوا و هوس خود شده بودند که مقابل امام علیه السلام ایستادند.

ج) کسالت و تنبلی

سستی و تنبلی، عامل مهمی در سوءمدیریت زمان و نوعی بیماری است که لحظات عمر را تباه می‌کند: «أَفَةُ التُّجِّحِ الْكَسَلُ: ^۲ آفت [و نابود کننده] کامیابی [و رسیدن به هدف]، سستی [و تنبلی] است». زشتی این صفت تا آنجاست که قرآن آن را از صفات منافقین دانسته است:

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا

كُسَالَى يُرَاغِبُونَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا: ^۳ منافقان با خدا نیرنگ

می‌کنند و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد و چون به نماز ایستند، با کسالت برخیزند، با مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند.

یکی از معضلات و چالش‌های امروز مردم و نسل جوان که برای آینده خود راه‌های نرفته زیادی را پیش‌رو دارند، تنبلی و سستی و بی‌ارادگی نسبت به برنامه‌هاست. ریشه این معضل از آنجایی آغاز می‌شود که این‌گونه افراد معمولاً هدفمند زندگی نمی‌کنند و برای

۱. حشر: ۱۹.

۲. علی بن محمد لیثی واسطی؛ عیون الحکم و المواعظ؛ ص ۱۸۱.

۳. نساء: ۱۴۲.

زندگی و وقت خود، اهداف بلندمدت و میان‌مدت ندارند؛ به همین دلیل دچار چنین مشکلی می‌شوند. علاوه بر آن افراد عادی با قرار گرفتن در شرایط سخت و دشوار دچار سستی و تنبلی می‌شوند و برنامه‌های روزانه خود را به درستی انجام نمی‌دهند. حال آنکه امام حسین علیه السلام و یارانش در شب عاشورا و در شرایط سخت و دشوار به عبادت و دعا پرداختند، همچنین حضرت زینب علیها السلام در دوران اسارت نماز شب را ترک ننمود.

د) عجله و شتاب

اگر چه سبقت در کار خیر و سرعت داشتن در آن، از صفات پسندیده، یکی از دستورات قرآن است: «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ»^۱ و کوتاهی و سستی در انجام آن، سبب تسلط شیطان بر آدمی و ترک عمل خیر می‌شود؛ اما عجله و شتاب در انجام دیگر کارها بدون بررسی جوانب آن و آماده کردن زمینه و مقدمات آن، از صفات رذیله به شمار می‌آید: «وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا»^۲ و انسان [همان‌گونه که] خیر را فرا می‌خواند [پیشامد] بد را می‌خواند و انسان همواره شتابزده است». انسان عجول نمی‌تواند زمان‌بندی درست و صحیحی در مسائل داشته باشد؛ از این رو دچار مشکلات بسیاری می‌شود.^۴

در روایت نیز آمده است که مردی نزد رسول‌خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: یا رسول‌الله! مرا سفارشی فرما و اندرزی ده. حضرت فرمود: اگر بگویم، تو اندرزپذیر هستی؟ پیامبر صلی الله علیه و آله این سؤال را سه بار از مرد

۱. مائده: ۴۸.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۴۳.

۳. اسراء: ۱۱.

۴. محسن قرائتی؛ تفسیر نور؛ ج ۵، ص ۲۶.

پرسید و آن مرد در هر سه نوبت عرض کرد: آری یا رسول‌الله! سپس حضرت فرمود:

سفارش من به تو این است که هر گاه تصمیم به کاری گرفتی، اول در نتیجه و فرجام آن کار بباندیش [عجله نکن]. اگر عاقبتش صحیح است، آن را دنبال کن و اگر عاقبتش گمراهی است، از آن در گذر.^۱

هـ) تأخیر در انجام کارها

فرصت‌سوزی و کار امروز را به فردا انداختن، یکی از آفت‌های از دادن فرصت‌هاست. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به یکی از یارانش می‌نویسد: «باقی‌مانده عمرت را تدارک کن و نگو فردا و پس فردا؛ همانا پیش از تو کسانی هلاک شدند که روی آرزوها و تأخیر انداختن کارها ایستادند تا ناگهان امر خدا فرا رسید، در حالی که آنان غافل بودند».^۲

طرماح بن حکم یکی از اصحاب امام حسین علیه السلام بود و در مسیری که امام به سوی کربلا و کوفه می‌رفت، با حضرت ملاقات کرد. در مقابل دعوت امام برای یاری‌اش، از آن حضرت جدا شد تا کارهایش را سر و سامان داده و سفارش‌های مالی‌اش را به سرانجام برساند، سپس به امام پیوندد؛ اما وقتی بازگشت که امام به شهادت رسیده و فرصت یاری امام را از دست داده بود.^۳

به فتراک ارهمی بندی خدا را زود صیدم کن

که آفت‌هاست در تاخیر و طالب را زیان دارد^۴

۱. حسن بن محمد دیلمی؛ اعلام‌الدین؛ ص ۲۳۵.

۲. محمد بن یعقوب کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۳۶.

۳. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۴۴، ص ۳۶۹.

۴. شمس‌الدین محمد؛ حافظ شیرازی؛ دیوان غزلیات؛ به کوشش خطیب رهبر،

غزل ۱۲۰، ص ۱۶۲.